

هفت درس کاربردی از زندگی رسول رحمت ﷺ

حجت الاسلام والمسلمین دکتر اصغر آیتی *

اشاره

حضرت محمد ﷺ خاتم پیامبران الهی، الگو و اسوه‌ای کامل، عاری از هرگونه عیب و خطا برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها و در تمام موضوعات است که خدایش درباره او فرمود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا: به یقین برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود؛ برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند».^۱

اخلاق انسانی و ملکات عالیّه رسول اکرم ﷺ در زمانی کوتاه چنان گسترش یافت و در دل مسلمانان صدر اول ریشه دوانید که از هیچ همه چیز درست کرد. او کبریای عرب را به تواضع، قساوت را به رأفت، پراکندگی را به یگانگی، جدایی را به همبستگی، کفر را به ایمان، بت‌پرستی را به توحید، بی‌پروایی را به عفت، انتقام‌جویی را به بخشایش، بیکارگی را به کار و کوشش، خودخواهی را به نوع‌دوستی، درشتی را به نرم‌خویی، بخل را به ایثار و سفاهت را به عقل و درایت بدل کرد.

در این نوشتار کوتاه، به بازخوانی درس‌هایی از زندگی و رفتار بی‌نظیر پیامبر ﷺ می‌نشینیم با این امید که بتوانیم پیروانی راستین برای حضرتش باشیم.

درس اول: تکیه بر نیروی الهی و هنر برنامه‌ریزی، ترکیبی برای موفقیت

پیامبر اعظم ﷺ با تدبیر و سازماندهی بی‌نظیر خود، روحیه‌ای قوی به مسلمانان می‌بخشید و به آنها یاد می‌داد که در سخت‌ترین لحظات زندگی، باید به خدای سبحان تکیه کنند. اما در کنار

* دانش‌آموخته دکترای قرآن و مدیریت.

چنین اقداماتی، تکیه اصلی‌اش به خدای سبحان بود و مسلمانان را نیز این‌گونه تربیت می‌کرد که در لحظات بحرانی از توجه و تضرع به خدای سبحان غفلت نکنند و در بحران‌ها، به خداوند توجه کنند و با ایمان و امید به او، بر چالش‌ها و سختی‌ها برتری یابند.

دعایی که زود به اجابت رسید

پیامبر ﷺ در جنگ بدر و پس از نظم‌دادن لشکر مسلمانان و انجام‌دادن همه اقدامات لازم برای پیروزی بر جبهه کفر، به یاران خود که سیصد و چند نفر بودند نگریست، سپس به مشرکان نگاه کرد که حدود هزار نفر بودند و درحالی‌که ردا و ازاری بر تن داشت، رو به قبله ایستاد، دست‌هایش را به سمت آسمان کشید و گفت: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ أَنْجِزْ مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ تُهْلِكَ هَذِهِ الْعِصَابَةَ مِنَ الْإِسْلَامِ فَلَا تُعْبَدُ فِي الْأَرْضِ أَبَدًا: خدایا، وعده‌ای را که به من داده‌ای، عملی گردان. بار خدایا، وعده‌ای را که به من داده‌ای، عملی گردان. پروردگارا، اگر این گروه مسلمان از بین بروند، دیگر هرگز بر روی زمین پرستش نخواهی شد».^۱ از نکته‌های برجسته در این جنگ، استجابت دعا و اعجاز پیامبر اکرم ﷺ بود. به گفته ابن‌سعد، پیامبر هنگام حرکت برای پیادگان، برهنگان، گرسنگان و نیازمندان دعا کردند. اثر این دعا به گونه‌ای بود که هنگام برگشت از جنگ، همه مسلمانان سوار بر حیوانات بودند، برهنگان لباس پوشیدند، گرسنگان سیر شدند و فقیران آنان از فدیة اسیران به ثروت رسیدند.^۲ همچنین نقل شده است هنگام رفتن به بدر، شتر یکی از سپاهیان از راه‌رفتن بازمانده بود. پیامبر ﷺ آب وضوی خود را به بدن آن شتر پاشید و شتر به حرکت درآمد.^۳

نکته: چقدر در زندگی با خدا گفتگو می‌کنیم؟ با او خلوت داریم؟ در کارها و رفتاری‌ها به او توجه داریم؟

درس دوم: حمایت و دفاع خدای متعال از پیامبرش (با خدا باش و پادشاهی کن)

مشرکان و دشمنان اسلام به‌ویژه در زمان پیامبر خاتم ﷺ برای مقابله با گسترش دین اسلام و شخصیت پیامبر از روش‌های مختلفی استفاده می‌کردند؛ از جمله ایجاد ترور روانی که به

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۰۷؛ علاء‌الدین علی بن حسام هندی، کنز العمال، ج ۲۹۹۳۹.

۲. محمد بن سعد، الطبقات، ج ۲، ص ۱۴.

۳. تقی‌الدین مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۱، ص ۹۳.

معنای تخریب وجهه و شخصیت پیامبر در نظر مردم بود. این افراد با شایعات، تهمت‌ها و افتراها می‌کوشیدند از اعتماد مردم به پیامبر بکاهند و به این ترتیب، مانع از گسترش اسلام شوند. اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل اهانت‌ها و جسارت‌ها با صبوری، به وظیفه خود عمل کرد؛ خدای متعال نیز در مقابل این اهانت‌ها به چنین پیامبری مباحات می‌ورزید و از او در برابر دشنام‌ها و جسارت‌ها دفاع می‌کرد. در ادامه به نمونه‌هایی از رفتار خداوند در برابر جسارت‌های دشمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کنیم:

(الف) به پیامبر گفتند: «إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ: به‌یقین تو دیوانه‌ای»؛^۱ ولی خداوند فرمود: «مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ: به نعمت پروردگارت تو مجنون نیستی».^۲

(ب) به آن حضرت گفتند: «لَسْتَ مُرْسَلًا: تو فرستاده خداوند نیستی»؛^۳ خداوند فرمود: «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ: به‌یقین تو از پیامبرانی».^۴

(ج) به حضرت نسبت شاعری و خیال‌بافی دادند: «لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ»؛^۵ اما خداوند فرمود: «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ: ما هرگز شعر به او [پیامبر] نیاموختیم و شایسته او نیست [شاعر باشد]».^۶

(د) سخنان پیامبر را دروغ و افترا نامیدند: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ»؛^۷ ولی خدا فرمود: «فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ: [اگر چنین است] یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار فرا خوانید».^۸

(هـ) به آن حضرت ابتر گفتند؛ اما خداوند فرمود: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ: به‌یقین دشمن تو بریده‌نسل و بی‌عقب است».^۹

علامه طباطبایی هدف از نزول سوره «شعرا» را تسلاهی خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر تکذیب

۱. حجر: ۶.

۲. قلم: ۲.

۳. رعد: ۴۳.

۴. یس: ۳.

۵. صافات: ۳۶.

۶. یس: ۶۹.

۷. احقاف: ۸.

۸. بقره: ۲۳.

۹. کوثر: ۳.

مردم و نسبت‌های ناروا به آن بزرگوار می‌داند و خدای متعال به این منظور، چند داستان از اقوام گذشته و سرنوشت آنان و کیفرشان را به دلیل تکذیب پیامبران گوشزد می‌کند.^۱

نکته: آیا می‌دانیم که اگر برای خدا باشیم و به وظیفه خود عمل کنیم، خدا با ما خواهد بود؟

درس سوم: اخلاقی فراتر از کلمات

پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله که مبعوث شده بود تا مکارم اخلاق را در میان مردم کامل و شایع کند، نمونه و الگوی مکارم اخلاقی برای تمام انسان‌ها در تمام دوران‌ها شد. آن حضرت در جایگاه بهترین و کامل‌ترین اسوه راستین بشر، در برابر تمام مردم بسیار دلسوز، صمیمی و مهربان بود. آن حضرت در راستای متخلق بودن به اخلاق و کردار کریمانه توانست در طول ۲۳ سال نبوت خود دل‌های گمراه بسیاری را شیفته خود و مکتب اسلام کند.

داستان: اخلاق پیامبر را برابری توصیف کن

مردی از امیرالمؤمنین علیه السلام درخواست کرد که اخلاق پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله را برایش بشمارد. حضرت علیه السلام فرمودند: «تو نعمت‌های خدا را بشمار تا من نیز اخلاق آن جناب را برایت بشمارم». آن مرد گفت چگونه ممکن است نعمت‌های خدا را شمارش کرد، با این‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا».^۲ امام علیه السلام فرمودند: «خداوند تمام نعمت دنیا را قلیل دانسته و فرموده است: «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ»^۳، در حالی‌که اخلاق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را عظیم برشمرده شده است و می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۴ و

البته مشخص است امام علیه السلام در پی بیان عظمت اخلاق و رفتار پسندیده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستند، نه اینکه توان آن را تبیین و توصیف کرد؛ همان‌گونه که ایشان در مناسبات گوناگون به توصیف اخلاق والای حبیب و مولای خود رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌پرداختند؛ از جمله در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وَهُوَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ، أَجْوَدُ النَّاسِ كَفًّا وَأَرْحَبُ النَّاسِ صَدْرًا وَأَصْدَقُ النَّاسِ لَهْجَةً وَأَوْفَى النَّاسِ دِمَةً وَآلِيَتُهُمْ عَرِيكَةٌ وَآكْرَمُهُمْ عَشْرَةٌ مَنْ رَأَاهُ بِدِيَهَةٍ هَابَةٍ وَمَنْ خَالَطَهُ مَعْرِفَةً أَحَبَّهُ يَقُولُ

۱. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۲۴۹.

۲. «اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد» (ابراهیم: ۳۴).

۳. نساء: ۷۷.

۴. قلم: ۴.

۵. محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳۲، ص ۲۲۲.

نَاعِثُهُ: لَمْ أَرْقُبْكَ وَلَا بَعْدَهُ مُثْلُهُ: او که خاتم پیامبران بود، بخشنده‌ترین، پرحوصله‌ترین، راستگو‌ترین، پایبندترین مردم به عهد و پیمان، نرم‌خوترین و خوش‌مصاحبت‌ترین مردم بود. هر کسی بدون سابقه قبلی او را می‌دید، هیبتش او را می‌گرفت و هر کسی با او معاشرت می‌کرد و او را می‌شناخت، دوستدارش می‌شد و هر کسی می‌خواست او را تعریف کند، می‌گفت نظیر او را پیش از او و پس از او ندیده‌ام»^۱.

نکته: چقدر پیامبران را شناخته‌ایم و از زندگی و رفتار او درس گرفته‌ایم؟

درس چهارم: توجه به عدالت و گسترش آن در جامعه

عدالت‌گستری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یکی از اصول اساسی و محوری در رفتار، سیره و حکومت ایشان بود. پیامبر صلی الله علیه و آله در برخورد با مردم، اجرای قانون و برقراری عدالت اجتماعی، هیچ‌گاه کوتاهی نکردند و همواره تأکید داشتند که عدالت باید در مورد همه حتی نزدیک‌ترین افراد به ایشان اجرا شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف مؤمنان حقیقی می‌فرمایند: «لَا يَجُورُ وَلَا يَعْتَدِي: نه ستم می‌کند و نه تجاوز»^۲. او حتی با دشمنش به رعایت حق می‌پردازد: «وَلَا يَرُدُّ الْحَقَّ عَلَى عَدُوِّهِ: و در مقابله با او حق را پایمال نمی‌کند».

پیامبر صلی الله علیه و آله عادل‌ترین مردم را این‌گونه معرفی می‌کند: «أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَ كَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ: عادل‌ترین مردم، کسی است که برای مردم همان را بپسندد که برای خود می‌پسندد و برای آنان نپسندد آنچه را برای خود نمی‌پسندد»^۳.

داستان: رشوه یا هدیه و برکناری فرماندار

در تاریخ زندگی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که به ایشان خبر دادند یکی از فرماندارانش رشوه‌ای در شکل هدیه پذیرفته است، حضرت برآشفته و به او فرمود: چرا آنچه حق تو نیست، می‌گیری؟ او در پاسخ با معذرت‌خواهی گفت: آنچه گرفتم، هدیه بود ای پیامبر خدا. رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر شما در خانه بنشینید و از طرف من فرماندار محلی نباشید، آیا مردم به شما هدیه‌ای می‌دهند؟» سپس دستور داد هدیه را گرفتند و در بیت‌المال قرار دادند و وی را از کار

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۹۰.

۲. همان، ج ۶۴، ص ۳۱۱.

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ح ۳۴۰.

برکنار کرد.^۱

نکته: در مسئولیت‌های کوچکی که داریم، آیا توانسته‌ایم به عدالت رفتار کنیم؟

درس پنجم: تواضع و فروتنی پیامبر ﷺ

تواضع یکی از آداب و سنن پسندیده و از ویژگی‌های انسان متخلّق به اخلاق نیک است. رسول خدا ﷺ نیز که در بندگی سرآمد روزگار بود، در تواضع و فروتنی نیز برترین نمونه تواضع با مردم زمانش به شمار می‌آمد. آن حضرت با آنکه والاترین مقام و مرتبه را نزد خدای متعال و مردم داشت، هرگز جز تواضع در برخورد با مردم از او دیده نشد. یکی از مهم‌ترین رازهای رفعت و محبوبیت پیامبر رحمت ﷺ را در همین قضیه می‌توان جستجو کرد. رسول اکرم ﷺ فرمود: «إِنَّ التَّوَاضِعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً فَتَوَاضَعُوا يُزَفِّعْكُمْ اللَّهُ: تواضع و فروتنی وسیله سربلندی و سرافرازی است؛ تواضع کنید تا خدای متعال مقام شما را بلند گرداند».^۲

ملای رومی گوید:

آب از بالا به پستی در رود	آن‌گه از پستی به بالا بر رود
گندم از بالا بزیر خاک شد	بعد از آن او خوشه چالاک شد
دانه هر میوه آمد در زمین	بعد از آن سرها برآورد از دفین
از تواضع چون به گردون شد به زیر	گشت جزو آدمی حی دلیر
پس صفات آدمی شد آن جماد	بر فراز عرش پیران گشت شاد
کز جهان زنده زاول آمدیم	باز از پستی سوی بالا شدیم ^۳

پیامبر اکرم ﷺ به حکم آیه شریفه «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ: و بال [عطوفت] خود را برای مؤمنان فرود آر»^۴ در قلّه تواضع قرار داشت؛ از این‌رو در توصیف ایشان می‌خوانیم: «كَانَ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضِعًا فِي غُلُوِّ مَنْصَبِهِ»؛^۵ یعنی با اینکه ایشان از مقام فوق‌العاده والایی

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۱.

۳. جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، ص ۴۰۴.

۴. حجر: ۸۸.

۵. محسن فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۴، ص ۱۵۱.

برخوردار بود، بیشترین تواضع را داشت. ایشان بر خاک می نشست و غذا می خورد و می فرمود: «من بنده‌ام و همچون بندگان غذا می خورم و همچون آنان می نشینم».^۱ همچنین می فرمود: «پنج چیز است که تا دم مرگ از آنها دست برنمی دارم: روی زمین با بردگان غذا خوردن، بر الاغ بی پالان سوار شدن، شیر بز با دست خود دوشیدن، لباس پشمینه پوشیدن و به کودکان سلام کردن تا آنکه پس از من سنت شود».^۲

نکته: چرا گاهی با کوچک ترین مسئولیت خود را گم می کنیم و با فخر فروشی مواجه می شویم؟

درس ششم: رفتار مردمی

از مصادیق بارز خلق عظیم و رفتار کریمانه رسول رحمت صلی الله علیه و آله، رفتار مردمی است که بیان کننده دوری ایشان از تکبر بود. ایشان که از مردم و با مردم بود، بسیار مهربان، دلسوز و همیشه همراه با مردم بود و در این همراهی همواره به دنبال ایجاد صمیمیت و الفت با آنها بودند. جاذبه شخصیتی ایشان تا حد زیادی مرهون رفتار محبت آمیز با مردم و ارزش قائل شدن به انسان ها بود. کسی که در غم و شادی و راحت و رنج همراه با آنها بود و خود را از آنان جدا نمی دانست و جدا نکرد؛ به همین دلیل توانست قلعه دل ها را فتح کند. در روایات نقل شده است رسول خدا صلی الله علیه و آله به تشییع جنازه می رفت و در دورترین نقطه شهر «مدینه» به عیادت مریض می پرداخت. گاهی فرزندان خردسال را به حضور پیامبر می آوردند تا برای تبرک و برکت یافتن، از خدا برای او خیر و نیکی بخواهد یا نام گذاری کند؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز برای دلجویی بستگان آن فرزندان، او را می گرفت و در دامن خویش می نهاد؛ حتی گاهی در همان لحظه، بچه لباس پیامبر را نجس می کرد، اما پیامبر به روی خودشان نمی آوردند و این گونه مردم با تمام وجود پیامبر را دوست داشتند.

از نشانه های دیگر مردمی بودن حضرت این بود که کارهای شخصی درون خانه را خودش انجام می داد، شتر را تغذیه می کرد، خانه را جارو می زد، شیر گوسفند را می دوشید، کفشش را تعمیر می کرد، لباسش را وصله می زد و ...^۳

۱. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. شیخ صدوق، خصال، ص ۲۷۱.

۳. محمد باقر مجلسی، مرآة العقول، ج ۸، ص ۲۰۹.

نمونه‌ای تاریخی

در ماجرای صلح حدیبیّه، عروه بن مسعود که به نمایندگی از قریش برای مذاکره با پیامبر ﷺ آمده بود، به سران قریش چنین گزارش داد: «من شاهان بزرگ را دیده‌ام، قدرت‌های بزرگی مانند قدرت کسری، قیصر روم، سلطان حبشه را مشاهده کرده‌ام و موقعیت هیچ‌کدام را میان قوم خود مانند محمّد ندیده‌ام. من با دیدگان خود دیدم که یاران او نگذاشتند قطره‌آبی از وضوی او به زمین بریزد و برای تبرک آن را تقسیم نمودند. اگر مویی از محمّد بیفتد، به سرعت آن را برمی‌دارند؛ بنابراین سران قریش باید در این موقعیت فکر و تأمل کنند».^۱

نکته: آیا با همسر، فرزندان، اقوام، اهل محل و همکاران هم‌زیستی متواضعانه داریم؟

درس هفتم: امانت‌داری

امانت‌داری و نگاه‌داری حقوق مالی و غیرمالی دیگران بر اساس اعتمادی که به انسان کرده‌اند، یکی از صفات انبیا و از جمله بهترین فضایل اخلاقی و رفتارهای پسندیده و ارزشمند انسانی است و نیز از خصلت‌های نیکویی است که خدای سبحان به صورت مکرر آن را برای پیامبران بیان کرده است و می‌فرماید: «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ: به یقین من برای شما پیامبری امین هستم».^۲ از ویژگی‌های برجسته مؤمنان و نمازگزاران واقعی نیز همین خصلت بیان شده است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ: و آنها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند».^۳

وجود مبارک پیامبر اکرم ﷺ نه تنها بعد از رسالت، بلکه در زمان جاهلیت نیز به امانت‌داری مشهور بود و «محمد امین» خوانده می‌شد. ابن سعد تاریخ‌نگار قرن سوم قمری در کتاب الطبقات الکبری می‌نویسد: «از بس که ویژگی‌های نیکو در پیامبر خدا ﷺ به کمال رسیده بود، در مکه نامی جز امین نداشت».^۴ امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام در شدت امانت‌داری حبیب و مولای خود رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «بار خدایا ... شریف‌ترین درودها و بالنده‌ترین برکت‌های خود را بر محمد فرست ... به پاس آنکه بار نبوت بر دوش او نهاده شد و او آن را با نیرومندی تمام به منزل رساند، به اجرای فرمانت برخاست و در طلب خشنودیات شتافت، بی‌آنکه از تاختن به پیش بهراسد و در هیچ تصمیمی سستی کند. وحی تو را به‌خوبی دریافت، عهد تو را حفظ کرد و در

۱. ر.ک به: جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۱۸۹.

۲. شعراء: ۱۰۷.

۳. مؤمنون: ۸؛ معارج: ۳۲.

۴. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۶.

اجرای فرمانت گام نهاد». ^۱ همچنین در شدت اهمیت این خصلت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آخرین لحظات عمرش سه بار به من فرمود: «یا ابا الحسَن اَدْ اِلا مَانَةً اِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ فِيمَا قَلَّ وَجَلَّ حَتَّى فِی الْخَبِیْطِ وَالْمَخِیْطِ: ای ابوالحسن، ادا نما امانت را در برابر افراد نیکوکار و بدکار، در آنچه که کم ارزش باشد یا باارزش، حتی در مورد نخ و سوزن». ^۲

نمونه تاریخی

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله با پیروزی کامل وارد شهر مکه شد، عثمان بن طلحه را احضار کرد که کلیددار کعبه بود؛ سپس کلید را از او گرفت تا درون کعبه را از وجود بت‌ها پاک کند. پس از آن، عباس عموی پیامبر تقاضا کرد کلید خانه خدا را از او بگیرد و مقام کلیدداری بیت الله که در میان عرب مقامی برجسته و شامخ بود، به او سپرده شود؛ ولی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برخلاف این تقاضا، پس از تطهیر خانه کعبه از لوث بت‌ها، در خانه را بست و کلید را به عثمان بن طلحه برگردانید و آیه ادای امانت را تلاوت فرمود. ^۳

نکته: گاهی دیگران را به خیانت در امانت متهم می‌کنیم؛ آیا ما به امانت‌هایی که در اختیارمان قرار دارد، توجه داریم؟ در آنها خیانت نکرده‌ایم؟ امانت‌هایی مانند فرزندان، خانواده و....

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، مصحح: علی اکبر غفاری؛ قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۲. بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق.
۳. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۴. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۵. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تصحیح: صبحی صالح، چاپ اول، قم:

۱. نهج البلاغة، خطبة ۷۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۷۳.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۲۹.

هجرت، ۱۴۱۴ق.

۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرّسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.

۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.

۸. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.

۹. فیض کاشانی، محسن، المحجّة البیضاء، قم: اسلامی، ۱۴۱۷ق.

۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: نشر دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.

۱۱. متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.

۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۱۳. _____، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تصحیح: سید هاشم محلاتی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.

۱۴. مقریزی، تقی‌الدین، إمتاع الأسماع، بیروت: دار الکتب العلمیه، [بی تا].

۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

۱۶. مولوی، جلال‌الدین، مشوی معنوی، تصحیح: نیکلسون، تهران: امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۶۱ش.

۱۷. واقدی، محمد بن سعد کاتب، الطبقات الکبری، تحقیق: عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.